











## سُورَةُ النِّسَاءِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

## آیات ۱-۶

يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَحِدَةٍ  
وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَنِسَاءً وَاتَّقُوا اللَّهَ  
الَّذِي تَسَاءَلُونَ بِهِ وَالْأَرْحَامَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَيْكُمْ رَقِيبًا ( ۱ )  
وَعَاتُوا أَلْيَتَمَىٰ أَمْوَالَهُمْ وَلَا تَتَّبِعُوا الْخَبِيثَ بِالطَّيِّبِ وَلَا تَأْكُلُوا  
أَمْوَالَهُمْ إِلَىٰ أَمْوَالِكُمْ إِنَّهُ كَانَ حُوبًا كَبِيرًا ( ۲ ) وَإِنْ خِفْتُمْ  
أَلَّا تُقْسِطُوا فِي أَلْيَتَمَىٰ فَاذْكُرُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ مَثْنَىٰ  
وَتِلْثَ وَرُبْعَ فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تَعْدِلُوا فَوَاحِدَةً أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ  
ذَلِكَ أَذْنَىٰ أَلَّا تَعُولُوا ( ۳ ) وَعَاتُوا النِّسَاءَ صَدُقَتِهِنَّ نِحْلَةً فَإِنْ  
طِبْنَ لَكُمْ عَنْ شَيْءٍ مِنْهُ نَفْسًا فَكُلُوهُ هَنِيئًا مَرِيًّا ( ۴ ) وَلَا تُؤْتُوا  
السُّفَهَاءَ أَمْوَالَكُمُ الَّتِي جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ قِيَامًا وَارْزُقُوهُمْ فِيهَا  
وَأَكْسُوهُمْ وَقُولُوا لَهُمْ قَوْلًا مَعْرُوفًا ( ۵ ) وَأَبْتَلُوا أَلْيَتَمَىٰ حَتَّىٰ  
إِذَا بَلَغُوا النِّكَاحَ فَإِنْ آنَسْتُمْ مِنْهُمْ رُشْدًا فَادْفَعُوا إِلَيْهِمْ أَمْوَالَهُمْ  
وَلَا تَأْكُلُوهَا إِسْرَافًا وَبِدَارًا أَنْ يَكْبَرُوا وَمَنْ كَانَ غَنِيًّا فَلْيَسْتَغْفِرْ  
وَمَنْ كَانَ فَقِيرًا فَلْيَأْكُلْ بِالْمَعْرُوفِ فَإِذَا دَفَعْتُمْ إِلَيْهِمْ أَمْوَالَهُمْ  
فَأَشْهَدُوا عَلَيْهِمْ وَكَفَىٰ بِاللَّهِ حَسِيبًا ( ۶ )

## ترجمه

ای مردم از پروردگارتان پروا کنید، همو که شما را از يك تن یگانه بیافرید و همسر او را هم از او پدید آورد و از آن دو، مردان و زنان بسیاری پراکند؛ و از خداوند که به نام او پیمان می‌بندید [یا سوگند می‌دهید]، همچنین از گسستن پیوند خویشاوندان پروا کنید، چرا که خداوند [ناظر و] نگهبان شماست. و به یتیمان اموالشان را برگردانید و پلید را جانشین پاک مسازید و اموال ایشان را با اموال خویش مخورید که این گناه بزرگی است. و اگر بیمناکید که در حق دختران یتیم به عدل و انصاف رفتار نکنید، در این صورت از زنانی که می‌پسندید، [يك یا] دو و [یا] سه و [یا] چهار تن را به همسری درآورید؛ و اگر می‌ترسید که مبدا عادلانه رفتار نکنید، فقط به يك تن، یا ملك یمیتان [کنیز] اکتفا کنید؛ این نزدیکتر است به اینکه ستم نکنید. و مهر زنان را به ایشان با خوشدلی بدهید، ولی اگر به طیب خاطر خویش، چیزی از آن را به شما بخشیدند، آن را نوشین و گوارا بخورید. و به کم‌خردان اموالشان را که خداوند شما را به سرپرستی آن گماشته است ندهید و از [سود و بهره‌ی] آن خوراک و پوشاکشان دهید و با آنان به زبان خوش سخن بگویید. و یتیمان را بیازمایید تا هنگامی که قابلیت زناشویی پیدا کنند، آنگاه اگر در آنان کاردانی مشاهده کردید اموالشان را به آنان برگردانید و آن را به اسراف و پیشاپیش از بیم آنکه مبدا بالغ و بزرگ شوند نخورید و هر کس توانگر بود خوشتنداری کند و هر کس تنگدست باشد، در حد عرف از آن بخورد، و هر گاه که اموالشان را به آنان برگردانید، بر آنان گواه بگیرید که خداوند حسابرسی را کافی است.

## تفسیر

«يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَنِسَاءً» از آنجا که این حکایت و نظایرش از اسرار و امور پیچیده‌ی مربوط به انبیا و اولیای نخستین و

حکماء پیرو آنانست و مردم عوام آن حکایات را بر ظاهرش حمل کرده‌اند، لذا اخبار مختلفی از جهت تصدیق و تکذیب و نحوه بیان، یاسست بودن حقیقت آن وارد شده‌است.

و این اختلافات دامنه وسیعی دارد از آفرینش آدم و حوّا، تناسل و تناکح آنها و تناکح اولادشان گرفته تا قصّه‌ی هاروت و ماروت و داستان داود و غیر آن اختلاف و اضطراب (آشفته‌گی در اخبار وارده، دیده می‌شود).

به نحوی که موجب حیرت و اضطراب (تردید) کسی که خبره نیست می‌گردد و او را به جایی می‌رساند که از دین خارج می‌شود.

لکن راسخان در علم می‌دانند که همه‌ی آن اخبار از معادن نبوت و محلّهای وحی صادر شده است و اختلاف و اضطرابی (تردید) در آنها نمی‌بینند، خداوند ما را از آنان قرار دهد، و خدا ولیّ توفیق است.

اما چون شأن نزول آیه و سفارش در امر یتیمان و اهتمام به آنها و اصول آنهاست امر به تقوی را با تکرار کردن، تأکید کرده و فرموده است:

«وَأَتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي تَسَاءَلُونَ بِهِ وَالْأَرْحَامَ» تقوا را اولاً

معلّق بر وصف ربوبیت نمود که مقتضی پرهیز از مخالفت با اوست و نیز ربوبیت را توصیف کرد به چیزی که مقتضای تقواست.

و ثانیاً آن را معلّق بر وصف الهیت کرد و الهیت را نیز توصیف به چیزی نمود که مقتضی تعظیم است.

و لفظ «ارحام» را نیز به سبب عطف بر ضمیر مجرور بر لفظ «الله» مقرون

ساخت، تا مبالغه در حفظ ارحام شده، مقدمه‌ای برای اظهار مقصود که عبارت از حفظ یتیمان است باشد، زیرا حافظ ایتام در بیشتر موارد صاحب رحم است.



و محافظت از رحم و تعظیم آن، محافظت و تعظیم از چیزهایی است که عقل و عرف به آن حکم می‌کند.

و در شریعت، در مورد اهمیت دادن به آن، به حدّی اخبار وارد شده است که شرح شمار آن، نتوان کرد.

بدان که خدای تعالی، انسان را دارای دو نشئه خلق کرده است و بر حسب هر نشئه برای آن اصول و فروعی قرار داده است که آن را اصول و فروع انسان می‌نامند.

و هر کسی که با يك فرد به يك اصل منتهی شود، چون منتهی به يك رحم می‌شود، رحم (خویشاوند) نامیده شده است.

و برتری رحم‌های روحانی بر جسمانی مانند برتری روح بر جسم است، و همچنین برتری صله‌ی رحم‌های روحانی بر جسمانی مانند برتری روح بر جسم است.

البته نباید گفت: بنابر آنچه که بیان شد، اگر کسی منتسب به شیطان باشد؛ نسبت روحانی او به شیطان است و منتسب به شیطان خویشاوند شیطان می‌شود، زیرا در این صورت، مراعات صله‌ی رحمی که در اینجا مقصود شیطان می‌باشد لازم می‌آید.

در حالی که انسان مأمور است که شیطان را مورد بغض قرار داده و با او قطع رحم بکند.

زیرا می‌گوییم: همان طور که خدای تعالی، جهت صحّت انتساب جسمی در هر ملّت شریعت و اصولی قرار داده است.

که نسبت مبتنی بر آن اصول است و هر نسبتی که مبتنی بر آن اصول

نباشد لغو و بی اعتبار است و حال او با چنین شخصی در اصول و فروع مانن حال اجنبی است؛ و مانند حال کسی است که اصلاً خویشاوند نباشد.

همچنین خدای تعالی برای صحّت انتساب نسبت روحانی؛ اصولی قرار داده است.

که باید نسبت مبتنی بر آن اصول باشد.

و هر گاه که نسبت بر اصول معیّی نباشد آن نسبت لغو و بی اعتبار خواهد بود.

حال طبق گفته بالا، اگر کسی بگوید که بدون اصولی که خدا بنا نهاده است، نمی توان به انبیا منتسب شد و این انتساب باطل و لغو می باشد، از آن گفتار خود بایستی به خدا پناه برد و این اعتراض درست نیست، زیرا در جواب می گوئیم: انتساب به انبیا بدون اینکه مبتنی بر اصول انتساب باشد محال است و کسی که امامی را از طرف خدا نداشته باشد که به او اقتدا کند ولی خودش را به آنها می بندد و به آنان منتسب می کند او از کسانی است که داخل در نسب می باشد، و مأمور به قبول شریعت به آنان است.

البته اینگونه پذیرش دین، نحله و به خود بستن شریعت است، نه خود شریعت.

لذا در اخبار معصومین علیهم السلام وارد شده است<sup>۱</sup> که هر کس از این امت صبح کند و امام ظاهر عادلّی از طرف خدا نداشته باشد او گمراهی و سرگردانی را آغاز کرده است و به این مضمون روایات زیادی از آنان وارد شده است. و چنانکه داخل النسب در نسبت جسمانی ملعون است، همچنین است

۱- اصول کافی ج ۱ کتاب الحجّة

کسی که خود را به کس دیگر از جهت روحانی نسبت می‌دهد بدون اینکه آن نسبت مبتنی بر چیزی باشد که نسبت را تصحیح نماید، در این صورت آن شخص نیز ملعون است.

و از قبیل نسبت لغو به لغو و باطل به باطل است و نسبت داخل النسب به داخل النسب مانند نسبت روح به جسد می‌باشد که متعلق به آن نیست.

«إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَيْكُمْ رَقِيبًا» یعنی ای کسان که به تقوی و مراعات ارحام و حفظ اموال یتیمان امر شده‌اید خداوند مراقب شماست و بر خیانت آشکار و نهان شما اطلاع دارد.

«وَأَتُوا الْيَتَامَىٰ أَمْوَالَهُمْ» یعنی پس از حفظ مال و رشد یتیمان، اموالشان را به آنها بدهید.

«وَلَا تَبَدَّلُوا الْخَبِيثَ» مال بد و نامرغوب خودتان را تبدیل «بِالطَّيِّبِ» به مال خوب و مرغوب آنها نکنید.

یا اینکه مال حلالی که به شما روزی داده شده‌است با مال حرام آنها عوض نکنید، زیرا کسی که با حرام ارتزاق کند، از روزی حلال که برای او مقدّر شده‌است محروم می‌گردد.

ولکن معنای اوّل در اینجا مقصود است، زیرا قول خدای تعالی: «وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَهُمْ إِلَىٰ أَمْوَالِكُمْ» معنای دوّم را می‌رساند و می‌گوید: اموال آنها را با اموال خود مخلوط و مصرف نکنید.

بدان که یتیم مانند رحم روحانی و جسمانی است.

یتیم جسمانی کسی است که در سنّ خردسالی از پدر جسمانی اش منقطع شود، یتیم روحانی کسی است که از امامش که پدر روحانی اوست منقطع شود،